

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته روابط بین الملل

موضوع:

روند دولت – ملت سازی در بوسنی پس از جنگ داخلی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر علیرضا سلطانی

استاد مشاور:

جناب آقای کابک خبیری

پژوهشگر :

علیرضا سبزی علی

سال تحصیلی:

تابستان ۹۰

تقدیر و تشکر:

ضمن ابراز امیدواری نسبت به مفید بودن این پایان نامه برای علاقمندان پیگیری امور منطقه حساس بالکان، بدینوسیله از زحمات جناب آقایان دکتر سلطانی و دکتر خیبری استادان راهنما و مشاور که برای تهیه این مطلب زحمات فراوانی را متحمل شدند تقدیر و تشکر می نمایم.

همچنین با تقدیم این پایان نامه به:

همسرم که در طول تهیه آن حوصله به خرج دادند تشکر و قدردانی می نمایم .

تعه‌دنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجان‌ب علیرضا سبزعلی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۵۰۲۰۳ در رشته روابط بین الملل که در تاریخ ۹۰/۶/۲۸ از پایان نامه خود تحت عنوان روند دولت - ملت سازی در بوسنی پس از جنگ داخلی با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجان‌ب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجان‌ب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۶/۲۸

علیرضا سبزه‌علی دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل از پایان نامه خود دفاع نموده و با

نمره به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	فصل اول: کلیات طرح پیشگفتار.....
۳	طرح موضوع.....
۵	انگیزه انتخاب موضوع.....
۵	پیشینه تحقیق.....
۵	اهداف تحقیق.....
۶	سؤال اصلی.....
۶	فرضیه.....
۶	سئوالات فرعی.....
۷	مفاهیم و متغیرها.....
۷	سازماندهی و قلمرو تحقیق.....

فصل دوم: بررسی مدل دولت - ملت سازی

۹	۲-۱ بررسی نظری مدل دولت - ملت سازی.....
۱۴	۲-۲ بحث تئوریک مدل دولت - ملت.....
۱۶	۲-۳ مفهوم ملت سازی.....
۱۸	۲-۴ عوامل و عناصر تشکیل دهنده دولت - ملت سازی.....
۲۰	۲-۵ سابقه تاریخی.....
۲۲	۲-۶ جهانی سازی و دولت و ملت سازی.....
۲۹	۲-۷ دولت - ملت سازی: دمکراسی و توسعه اقتصادی.....
۳۱	۲-۸ آینده سیستم دولت - ملت.....

فصل سوم: ریشه های تاریخی و قومی در منطقه بالکان

- ۳-۱ مطالبی کلی در مورد بالکان..... ۳۶
- ۳-۲ ملیتها، اقوام و نژادها در بالکان..... ۳۹
- ۳-۳ جنگ جهانی اول و یوگسلاوی اول ۱۹۱۴-۱۹۳۹..... ۴۴
- ۳-۴ تشکیل یوگسلاوی دوم ۱۹۴۵-۱۹۹۰..... ۴۹

فصل چهارم: جمهوری بوسنی هزرگوین و روند شکل گیری آن

- ۴-۱ موقعیت جغرافیایی، جمعیت و ترکیب قومی و نژادی بوسنی و هرترسه گووین..... ۵۴
- ۴-۲ سابقه تاریخی بوسنی و هرترسه گووین..... ۵۵
- ۴-۲-۱ بوسنی و هرترسه گووین تا جنگ جهانی اول..... ۵۵
- ۴-۲-۲ بوسنی و هرترسه گووین بعد از جنگ جهانی اول..... ۶۵
- ۴-۲-۳ بوسنی و هرترسه گووین بعد از جنگ جهانی دوم..... ۶۷
- ۴-۳ فروپاشی یوگسلاوی و اعلام استقلال بوسنی و هرترسه گووین..... ۷۰
- ۴-۴ روند جنگ داخلی..... ۷۶
- ۴-۵ تحرکات داخلی و بین المللی برای پایان دادن به جنگ..... ۸۰

فصل پنجم: روند دولت - ملت سازی در بوسنی

- ۵-۱ توافقنامه دیتون و شکل گیری دولت - ملت نوین در بوسنی..... ۸۹
- ۵-۲ فرایند اجرای قرارداد دیتون از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱..... ۹۴
- ۵-۳ نگرش های موجود در قبال قرارداد دیتون (داخلی ، منطقه ای و بین المللی)..... ۹۶
- صربستان و صربهای بوسنی..... ۹۷
- روسیه..... ۹۹
- کرواسی و کرواتهای بوسنی..... ۱۰۱
- بوشنیاکها..... ۱۰۱

- ۱۰۳..... امریکا -
- ۱۰۴..... اتحادیه اروپا -
- ۱۰۶..... کشورهای اسلامی -
- ۱۰۷..... ۴-۵ مشکلات اجرایی قرارداد دیتون.....
- ۱۱۸..... ۵-۵ نقش نمایندگان عالی و دادگاه قانون اساسی بوسنی.....
- ۱۲۳..... ۵-۶ نقش جامعه بین الملل در شکل دهی به ساختار سیاسی بوسنی.....
- ۱۲۳..... ۱-۶-۵ نقش اتحادیه اروپا در شکل دهی به ساختار سیاسی بوسنی.....
- ۱۲۹..... ۲-۶-۵ نقش امریکا در شکل دهی به ساختار سیاسی بوسنی.....
- ۱۳۳..... ۷-۵ عملکرد دولت - ملت سازی پس از قرارداد نامه دیتون.....

فصل ششم: نتیجه گیری (چشم انداز دولت-ملت سازی در بوسنی)

- ۱۴۷..... ۷- ضمیمه (متن قرارداد دیتون)
- ۱۵۲..... ۸- منابع.....

فصل اول

کلیات

پیشگفتار

دولت - ملت سازی از جمله مباحث بسیار مهم در مطالعات روابط بین الملل در دوران جدید محسوب می گردد. این بحث خصوصا با ورود اعضای جدید به نظام دولتهای پس از جنگ سرد از اهمیت فوق العاده ای برخوردار گشته و محققان مختلفی را برای انجام مطالعات پایه ای تئوریک و نیز موردی در اقصی نقاط دنیا به خود جذب کرده است. از جمله حوزه های مطالعاتی جدید در این رابطه، کشورهای یوگسلاوی سابق از جمله بوسنی و هرترسه گووین از گذشته تاکنون می باشد. حاکمیت امپراطوری عثمانی، امپراطوری اتریش - مجارستان، پادشاهی یوگسلاوی و تحولات پس از دو جنگ جهانی اول و دوم گویای اهمیت این منطقه بر مطالعات دولت - ملت سازی محسوب می گردد. در دوران جدید هم تحولات پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ منجر به بروز تغییرات عمده ای در بالکان و مشخصا در یوگسلاوی سابق گردید که تمام نگاههای تحلیل گران بین المللی را بخود جلب کرد. روند تحولات در این منطقه تاکنون به گونه ای رقم خورده که با توجه به سابقه امر بسیاری از تحلیل گران معتقد بودند که ممکن است تحولات این کشور تنها محدود به بالکان باقی نماند و مانند گذشته ابعاد آن وسعت بیشتری بخود بگیرد.

در هر حال تحولات جدید بالکان و فروپاشی یوگسلاوی سابق با اعلام استقلال اسلونی و کرواسی در سال ۱۹۹۱ آغاز گردید که در مورد دوم به جنگ کشیده شد که اعلام استقلال بوسنی و هرترسه گووین متعاقب اعلام استقلال این دو کشور تحولات منطقه را وارد فاز جدیدی نمود. وجود اقوام صرب و کروات در کنار بوشنیاکها (مسلمانان) و بروز اختلاف نظر در مورد اعلام استقلال بوسنی که صربها به شدت با آن مخالف بودند جنگ را به این کشور کشاند و آتش جنگ را برای حدود سه سال و نیم در آن شعله ور نمود. در طول سه سال و نیم جنگ در این کشور، پیشنهادهای مختلفی برای خاتمه آن ارائه گردید که نهایتا آتش جنگ با توافق رهبران سه قوم در بوسنی و نظارت روسای جمهوری صربستان و کرواسی در دیتون امریکا با نظارت این کشور در نوامبر سال ۱۹۹۵ خاتمه یافت.

اگر چه امضاء این قرارداد منجر به خاتمه جنگ در بوسنی گردید ولی هرگز نتوانست ثبات لازم را برای این کشور به ارمغان آورد. گذشت بیش از ۱۵ سال از خاتمه جنگ در این کشور و عدم ثبات لازم را می توان دلیلی برای آن ارائه نمود. علت عمده و اساسی آن هم در پیچیدگی شکل گیری ساختار سیاسی این کشور و روندی است که تاکنون در موضوع دولت - ملت سازی در آن دنبال شده است که تلاش گردیده در این نوشته ابعاد پیچیده موضوع روشن گردد. امید که بتواند گامی هر چند کوچک در این جهت محسوب گردد.

۱-۱ طرح موضوع

همزمان با فروپاشی شوروی سابق و بدنبال جدایی دو جمهوری اسلوونی و کرواسی از این کشور، جمهوری بوسنی و هرترسه گوین با انجام همه پرسی در مورد جدا شدن از یوگسلاوی سابق که بعنوان پیش شرط جامعه اروپا برای قبول استقلال این کشور بود، با رای اکثریت شهروندان استقلال خود را اعلام نمود. این جمهوری رسماً در تاریخ ۶ آوریل ۱۹۹۲ توسط اتحادیه اروپا و در ۷ آوریل توسط آمریکا مورد شناسائی قرار گرفت و سپس در تاریخ ۲۲ آوریل همان سال به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد.

اعلام استقلال باعث شد تا موجی از خشونت و درگیری توسط صربها و سپس کرواتها این کشور را فرا بگیرد. این درگیریها که منجر به بروز جنگ خونین ۴۳ ماهه در بوسنی و هرترسه گوین شد، بیشترین صدمات را متوجه مسلمانان این کشور نمود. در طول جنگ، تلاشهای زیادی برای خاتمه آن انجام شد. در این میان کشورهای غربی در قالب گروه تماس بین المللی و نمایندگان ویژه سازمان ملل در بوسنی طرحهایی را برای حل مناقشه این کشور ارائه دادند ولی هیچکدام به نتیجه نرسید. نهایتاً با فشار امریکا رهبران سه قوم درگیر در بوسنی و دو کشور همسایه یعنی صربستان و کرواسی در قالب قرارداد دیتون برای خاتمه جنگ به توافق رسیدند. بر اساس قرارداد دیتون، بوسنی به دو موجودیت و یا نهاد سیاسی (Entity) تبدیل گردید که یکی جمهوری صربسکا با سهم ۴۹ درصد از

خاک و دیگری فدراسیون بوسنی متشکل از کرواتها و مسلمانان است که ۵۱ درصد از خاک بوسنی به آنها تعلق گرفت. این دو نهاد هرکدام برای خود ساختار دولتی مجزا شامل پارلمان و هیات دولت دارند و در کنار آنها یک دولت مرکزی نیز ایجاد گردید که امور کلی سیاست خارجی، اقتصادی و نظامی را برعهده دارد. همچنین منطقه ویژه برچکو در شمال بوسنی با توجه به حساسیت آن تحت نظر دولت مرکزی قرار گرفت. در واقع سیستم ایجاد شده یک ساختار و سیستم جدیدی است که می توان آن را تلفیقی از یک سیستم کنفدراسیون و فدراسیون دانست.

در هر حال نزدیک به دو دهه است که اختلاف نظر رهبران سه قوم مسلمان، صرب و کروات در صحنه داخلی بوسنی فروکش نکرده و این اختلافات عموماً به هنگام مبارزات انتخاباتی افزایش چشمگیری پیدا می کند. به اعتقاد همگان ساختار حکومتی بوسنی که نشأت گرفته از قرارداد دیتون و جایگاه احزاب ملی گرا و گروههای سیاسی افراطی میباشد، علت اصلی این اختلافات بوده و ناکارآمدی و هزینه مند بودن این سیستم از بارزترین شاخصه های آن می باشد.

در این نوشتار با بررسی ساختار سیاسی و تاریخی بوسنی و هرته سه گووین تلاش گردیده ابعاد مختلف موثر در شکل گیری ساختار کنونی این کشور مورد بررسی قرار گرفته تا چشم انداز روشنتری ترسیم گردد که آیا ساختار کنونی بوسنی و هرته سه گووین می تواند پاسخگوی نیازهای این کشور در ابعاد مختلف باشد یا نه؟ بدین منظور روند تاریخی شکل گیری این کشور خصوصاً تحولات بعد از جنگ جهانی دوم و شکل گیری یوگسلاوی سابق مورد بررسی قرار گرفته و با تمرکز بر تحولات دوران جنگ چگونگی شکل گیری ساختار جدید تشریح گردیده است.

در این رابطه حضور و بررسی میدانی نویسنده کمک زیادی در جهت روشن شدن این موضوع بوده و در عین حال از منابع مختلف استفاده شده است. کمبود منابع فارسی در مورد روند شکل گیری ساختار کنونی سیاسی بوسنی و هرته سه گووین باعث گردیده که عمدتاً از منابع انگلیسی استفاده شود.

انگیزه انتخاب موضوع

تحولات در اروپا همیشه تاثیرات جهانی داشته و در این میان تحولات در منطقه بالکان از حساسیت زیادی برخوردار بوده است. شروع دو جنگ جهانی در قرن گذشته هم به حساسیتهای این منطقه افزوده و باعث گردیده که تحولات در این منطقه توجه ویژه ای را بخود جلب نماید. اروپا از یک سو به سمت اتحاد پیش می رود و از سوی دیگر تحولاتی در منطقه بالکان روی داده و می دهد که بر خلاف جریان اول می باشد. بنابراین بررسی دقیق و عمیق تحولات این منطقه می تواند چشم انداز روشنتری را نسبت به مسائل اروپا و حتی جهانی ترسیم نماید.

علاقه به مسائل اروپا و همچنین تحولات در منطقه بالکان عمده انگیزه برای انتخاب این موضوع برای پایان نامه بوده است.

پیشینه تحقیق

اگر چه در مورد کشور بوسنی و هرترسه گووین خصوصا بعد از جنگ این کشور در ابعاد مختلف مطالعاتی در کشورمان صورت گرفته است اما با بررسی منابع مختلف مشخص گردید که در رابطه با سیستم جدید دولت- ملت سازی در بوسنی تحقیقی در کشورمان صورت نگرفته و بصورت پراکنده تنها قرارداد دیتون که منجر به شکل گیری سیستم سیاسی جدید مورد بررسی قرار گرفته است. در این رابطه نیز تنها چگونگی خاتمه جنگ بر مبنای این قرارداد مورد مطالعه قرار گرفته است.

اهداف تحقیق

بر اساس قرارداد دیتون سیستم دولت- ملت سازی خاصی در بوسنی شکل گرفته که سابقه تاریخی برای آن نمی توان یافت. بدین منظور بررسی این موضوع که این ساختار تا چه اندازه می تواند

کارایی داشته باشد اهمیت زیادی برای تحولات سیاسی بعدی در نقاط دیگر جهان دارد. در صورتیکه این سیستم با موفقیت به اجرا درآید قطعاً الگویی خواهد شد که در دیگر مناطق بحرانی جهان نیز اجرا گردد.

سئوال اصلی

تحولات سیاسی پس از جنگ داخلی تا چه حدی روند دولت ملت سازی در بوسنی را تقویت کرده است.

فرضیه

روند دولت ملت سازی در بوسنی هرزگوین با گذشت بیش از ۱۵ سال از پایان جنگ داخلی با وجود فشار جامعه بین المللی و شکل گیری ساختارهای سیاسی هنوز در جامعه بوسنی نهادینه نشده و همچنان این کشور آستان تحولات سیاسی جدیدی است

سئوالات فرعی

۱- روند تاریخی ملت- دولت سازی در بوسنی و هرترسه گووین تا چه میزان در ایجاد ساختار کنونی تاثیر داشته است؟

۲- سه قوم موسس در این کشور نسبت به ساختار سیاسی بوسنی و هرترسه گووین چه دیدگاهی دارند؟

۳- شرایط و تحولات دیگر در منطقه بالکان به چه میزان می تواند در روند شکل گیری سیاسی این کشور موثر باشد؟

۴- کشورهای همسایه بوسنی و هر تسه گووین چه نقشی را در شکل گیری دولت - ملت سازی در این کشور ایفا کردند؟

۵- حضور قدرتهای ذینفوذ مانند کشورهای اصلی اتحادیه اروپا و امریکا چه فرصتها و چالشهایی را در بوسنی ایجاد نمود؟

۶- استراتژی اتحادیه اروپا و امریکا در جهت دولت - ملت سازی در بوسنی چیست؟

مفاهیم و متغیرها

جنگ سرد، یوگسلاوی، دولت - ملت سازی، طرح دیتون، صلح و ثبات سیاسی، گسترش امنیت، حاکمیت دولت مرکزی، فدراسیون بوسنی، جمهوری صربسکا

متغیر مستقل: ساختارهای تحمیلی سیاسی و امنیتی پس از جنگ داخلی

متغیر وابسته: دولت ملت سازی در بوسنی

سازماندهی و قلمرو تحقیق

چارچوب نظری تحقیق متمرکز بر مطالعات در بوسنی و هر تسه گووین ، منطقه بالکان معطوف به تحولات یوگسلاوی سابق و مسائل امنیتی خصوصا در اروپا می باشد.

فصل دوم:

بررسی مدل دولت – ملت سازی

۲-۱ بررسی نظری مدل دولت - ملت

سیستم دولت-ملت شکل غالب جامعه سیاسی در طی دو قرن اخیر بوده است، اما انواع بسیار متفاوتی از جوامع سیاسی نیز در سایر مقاطع زمانی وجود داشته اند که می توان به اولین دولت-شهرها نظیر بین النهرین و یونان باستان، امپراطوریهای قدیمی آشور، پارس و روم و امپراطوری های جدیدتر عثمانی و چین که همگی جوامع سیاسی تلقی می شدند اما شباهتی به سیستم دولت-ملت نداشتند اشاره نمود. در همین حال اگر نگاهی به کشورهای اروپایی در قرن هفدهم بیفکنیم خواهیم دید که در آن زمان سیستم دولت - ملت بر این کشورها حاکم نبود. این کشورها، کشورهای سرزمینی^۱ بودند که پادشاهان مستبد و خودکامه بر آنها حکم می راندند.

اما اینکه چگونه جوامع سیاسی از چنین ساختاری خارج شده و به تدریج به سیستم دولت-ملت تبدیل شدند بحثهای فراوانی صورت گرفته است. برای این مسئله دو دلیل ذکر می گردد: ظهور سرمایه داری و جنگهای رایج و همیشگی. بندیکت اندرسون معتقد است "سرمایه داری چاپی"^۲ گسترش و توسعه آگاهی ملی را ممکن ساخت. کتابها، جزوه ها و در شکل جدیدتر، روزنامه های ملی، رادیو و تلویزیون نمادهای ملی مشترک و حس مشترک نسبت به گذشته را در میان مردم منتشر کردند. سرمایه داری چاپی به این معنی بود که مردمی که هرگز در عمل نمیتوانستند با یکدیگر دیدار کنند، قادر شدند با آنچه که اندرسون آن را "جامعه فرضی"^۳ ملت می نامد آشنا شوند. (اسمیت-بیلیس، ۱۳۸۳، ۱۳۸۲-۱۳۸۰)

ارنست گلنر ۱۹۸۳ معتقد بود صنعتی شدن دلیل اصلی پدید آمدن زبان و فرهنگ ملی است. مبادلات گسترده تجاری فقط در صورتی قابل تحقق بود که غریبه ها بتوانند با یک زبان مشترک با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند. نکته مهم این است که جهان بطور طبیعی به ملتهای مختلف تقسیم نشده است. دولتها از طریق بنا نهادن نظامهای آموزشی ملی که ارزش های مختلف را نشر می دادند، نقش اصلی در ایجاد فرهنگهای ملی ایفا نمودند.

^۱ - Territorial States

^۲ - Print Capitalism

^۳ - Imagined Community

کشورهای سرزمینی مدرن در بستر جنگ شکل گرفتند و برای آغاز درگیری و نبرد بسیار کارآمد و موثر بودند. گفته شده که این کشورها در اروپای قرن شانزدهم آنقدر کوچک بودند که می شد از یک کانون مرکزی به آنها حکم راند و آنقدر بزرگ بودند که بتوانند در مقابل خطرات خارجی مقاومت کنند (ماتینگلی ۱۹۵۵ و تیلی ۱۹۹۲). جنگ در تبدیل شدن کشورهای سرزمینی به کشورهای ملی سهم مهمی داشت. کشورهای درگیر در جنگ می خواستند از شرکت شهروندانشان در مبارزات مطمئن شوند. آنها مایل بودند حس قدرتمندی از وفاداری ملی را تقویت کنند. انقلاب فرانسه نقطه عطفی در تاریخ جدید محسوب می شد که مفهوم کشور مسلح را بر اساس ایده خدمت سربازی همگانی پدید آورد. از انقلاب فرانسه به بعد، ملی گرایی به ایدئولوژی تبدیل شد که بیشترین تاثیر را روی تحول جامعه سیاسی گذاشت. (همان منبع، ۱۳۷۸)

البته باید به خاطر داشته باشیم که جنگ و فرایند صنعتی شدن سبب پدید آمدن انسانهای مدرنی شد که دارای حس قوی آگاهی ملی بودند. کشورها از طریق طرح ادعای نمایندگی از ملت، توانایی خود را در زمینه بسیج مردم در جنگ افزایش دادند و توانستند آنها را به قصد بنا نهادن امپراطوری های جدید در مناطق دور در قرن نوزدهم، مطیع خویش سازند. در پایان این قرن، کشورهای اروپایی از طریق وارد کردن غیراروپاییها به روابط جهانی اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی، امپراطوری های خود را در سطح جهان گسترش دادند. دولت - ملت های جدید روند یکپارچه سازی نژاد بشری را به پیش بردند. همانند امپراطوری ها در قرن شانزدهم، دولتها نیروی پیش برنده جهانی شدن محسوب می شدند.

ملی گرایی که اختراعی اروپایی به شمار می آید، به بقیه نقاط جهان صادر گردید. این نکته حائز اهمیت است که جنبشهای ملی گرایی در جهان سوم از اندیشه ها و مفاهیم اروپایی برای دستیابی به استقلال بهره گرفتند. یکی از پیامدهای موفقیت این جنبشها این بود که تعداد کشورهای مستقل در مدت سه دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم بیش از سه برابر شد، اما بسیاری از این جوامع نوظهور سیاسی نتوانستند به دولت - ملت تبدیل شوند. وجود رقابتهای قومی گسترده این معنی را داشت که حس وفاداری نسبت به کشور شکل نگرفته بود و در بسیاری از مناطق، مانند شبه قاره هند، مردمان

درگیر منازعه با یکدیگر، مستعمرات سابق را در تلاش برای بنانهادن دولت - ملتهای مختص به خود تجزیه کردند. جدا شدن پاکستان از هند و استقلال پاکستان شرقی (بنگلادش) از پاکستان غربی از نمونه های بارز چنین روندی محسوب می شوند. به دلیل روند استعمارزدایی و تجزیه بعدی مستعمرات قدیمی، کشور مدرن که برای جوامع غیراروپایی بومی و طبیعی به شمار نمی آمد، به شکل غالب جامعه سیاسی در سراسر جهان تبدیل شد. جهانی شدن تشکیل کشورهای جدا از هم یکی از مهمترین ابعاد جهانی شدن به شمار می آید. (همان منبع، ۱۳۸۲-۱۳۸۰)

در هر حال موضوع دولت- ملت سازی با تغییر و تحولاتی که در سده های اخیر در مورد آن بوجود آمده در طی چند دهه اخیر نیز تعاریف جدیدی از آن مطرح گردیده است. پس از فروپاشی شوروی سابق و تغییر در معادلات جهانی که از تقابل غرب و شرق بوجود آمده بود، یک سری تحولاتی از جمله جنگ اول خلیج فارس، بحران سومالی و فروپاشی یوگسلاوی سابق روی داد که در این میان موضوعات جدید وارد ادبیات سیاسی گردید. از جمله این مطالب، موضوع دولت - ملت سازی برای برقراری صلح و ثبات جهانی است. اصطلاح دولت- ملت سازی در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، در ابعاد وسیعتری مورد پذیرش قرار گرفت و به یک بخش عادی در مباحث سیاسی و علمی تبدیل شد. تجربه جامعه بین المللی در مناطقی مانند سومالی، بالکان، افغانستان و عراق کاملاً روشن کرد که اگر چه ممکن است بخواهند از این موضوع در جهت حل و فصل بحرانهای بین المللی استفاده کنند ولی فروپاشی جوامع می تواند منجر به بروز خشونت گردیده و یا آنها را بصورتی تبدیل کند که مشکلات آنها را غیر قابل حل گرداند.

"یک چنین شرایطی می تواند در بلندمدت باعث عدم پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردد یا بلایا و مصیبتهای انسانی را افزایش دهد، کل منطقه را بی ثبات سازد و حتی آنها را به مرکز تروریسم فراملی تبدیل کند که در این شرایط بر کشورهای دوردست تاثیر می گذارند و اهداف سیاسی غرب را زیر سؤال می برند. در همین چارچوب است که ملت سازی در سطح بین المللی می تواند یا بصورت یک ابزار بازدارنده سیاسی برای جلوگیری از فروپاشی کشورها و انشعاب اجتماعی، آلترناتیوی برای مدیریت درگیریهای نظامی، بخشی از مداخلات نظامی مورد بحث و

بررسی قرار گیرد و یا بعنوان یک عامل سیاستهای بعد از جنگ تعریف و تفسیر شود. بر این اساس سیاست ملت سازی در میان مسائل سیاست خارجی، توسعه ای و نظامی بمنظور جلوگیری یا مدیریت درگیریهای خشونت آمیز، دستیابی به ثبات منطقه ای و محلی و تسهیل در توسعه کشورها، محوریت و مرکزیت خاصی پیدا کرده است.

در نتیجه ملت سازی نه ساده است و نه بدون مشکل. فرصتهای دستیابی به این هدف از خارج کاملاً متفاوت ارزیابی می گردد و اغلب با شک و تردید به آن نگریده می شود؛ راهها و ابزار موفقیت اغلب در این مورد مبهم و در بسیاری از موارد سؤال برانگیز است که آیا بازیگران خارجی قادر خواهند بود که در تمام طول دوره اعم از زمان و تعهدات مالی متعهد بمانند یا نه؟ ملت سازی از خارج می تواند باعث کشاندن بازیگران خارجی به کشمکشهای قدرت ملی شود که به سختی می توانند خود را از آن رها سازند. علاوه بر این، مسائل مربوط به مشروعیت را نیز اغلب به سختی می توان در بسیاری از موارد پاسخ داد. اصل عدم مداخله تحت منشور سازمان ملل اغلب نادیده گرفته می شود. با این حال این روند هنوز و به دلایل خوب و مناسب وجود دارد. نهایتاً روشن نیست که ملت سازی واقعا به چه معناست. (هیپلر، ۲۰۰۵، ۴-۳)

یکی دیگر از نکات قابل توجه و تامل در مورد دولت-ملت سازی نتایج و پیامدهای آن برای کشورها خصوصاً کشورهای جهان سوم می باشد. باید در نظر داشت که دولت-ملت از تمرکز اداری که خواست مرحله سودجویی سرمایه داری بود، بوجود آمد و بنا بر قدرت مطابقت شکل های سیاسی با نیازهای بازار در مرحله صنعتی تقویت شد. دولت در نفس خود برآمده از رابطه های اجتماعی، یعنی گروه های بشری در تأثیر متقابل برای دنبال کردن هدف های جمعی در عرصه های اقتصادی و سیاسی است و با ایجاد شرایط و بنای چارچوب های حقوقی ضرور برای رسیدن به این نتیجه در بازتولید یا دگرگونی آن ها نقش ایفاء می کند. دولت همچنین می تواند رابطه های جدید اجتماعی بوجود آورد. به علاوه، عرصه سیاسی که دولت بازیگر اصلی آن است، به مثابه مکان شهروندی، یعنی به مثابه برابری بین شهروندان نمودار می شود. این بعد دیگر مسئله است و می تواند صوری یا واقعی باشد، اما به هر ترتیب دولت مدرن ضامن آن محسوب می شود. تضادها میان